

نامه خبر ساز زیباکلام را به دادسرا کشاند

● **شرق:** صادق زیباکلام از احضار خود به دادسرای فرهنگ و رسانه خبر داد. این استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران و تحلیلگر سیاسی که از رسانه‌ای‌ترین چهره‌های علمی کشور به‌شمار می‌رود با اعلام این خبر افزود: دوشب قبل احضارهای به دستم رسید که خواسته شده بود در دادسرا حضور یابم. من هم روز گذشته از ساعت ۸ تا ۱۲:۳۰، پاسخگوی سوالات بازپرس محترم بودم. زیباکلام دلیل احضار خود را شکایت دادستانی از بخش‌هایی از پاسخ مکتوب او به مدیرمسئول روزنامه کیهان پیرامون فعالیت‌های هسته‌ای کشورمان اعلام کرد.هفته گذشته این استاد علوم سیاسی در نامه‌ای سرگشاده به یکی از اعضای جبهه پایداری که نماینده مجلس است، نسبت به انتقادات آنها از توافق ژنو واکنش نشان داده و مطالبی را پیرامون ایجاد برنامه هسته‌ای بیان کرده بود که با واکتش مدیرمسوول کیهان مواجه شد. زیباکلام از تأمین قرار ۵۰ میلیون تومانی بازپرس خبر داد و درعین‌حال از برخورد محترمانه قطبی، معاون دادستان تهران و شفیعی، بازپرس شعبه ۱۲ دادسرای فرهنگ و رسانه تقدیر کرد. لازم به یادآوری است سایت خبری انتخاب از وبسایت‌های نزدیک به دولت نیز به سبب انتشار جوابیه زیباکلام به نقد نامه سرگشاده خود، با شکایت دادستانی از دسترس کاربران خارج شده است.

آملی لاریجانی: تخریب قوه قضایه تخریب نظام است

وی افزود: باید توجه داشت اولاً این آمار نشانگر این تعداد شکایت یا دادخواست در دستگاه قضایی نیست؛ چون یک پرونده در مراحل مختلف دادرسی به ثبت می‌رسد و جزو آمار محسوب می‌شود لذا ممکن است یک شکایت در نهایت در مراجع مختلف ۱۰ بار ثبت شده و ۱۰ پرونده محسوب شود. وی ادامه داد: اینگونه احتساب پرونده‌ها، علی‌الاصول انشکالی ندارد ولیکن باید توجه داشت که از این آمار مثلاً ۱۳میلیونی استنباط نشود که ۱۳ میلیون جرم یا حادثه حقوقی در کشور وجود دارد و ثانیاً مهم‌تر آنکه در هر حال وقتی ۱۳ میلیون پرونده سالانه به دستگاه قضایی وارد می‌شود، بیش از ۱۳میلیون پرونده هم مختومه می‌شود. پرونده‌ها گویی همچون رودی جاری در حال حرکتند بنابر این شاید مشری از عدد مذکور هم در یک زمان در دستگاه قضایی اثباتش نباشد.

شرق، علی ذهابی: بازخوانی خاطرات انقلاب، یادآور این نکته است که برای رسیدن به آزادی چه راه دشواری طی شده است. این بازخوانی کمک می‌کند تا فاصله نسل‌های پس از انقلاب با هم کم شود. ۳۵سال پس از پیروزی انقلاب البته این پرسش پیش‌روی تحلیلگران قرار دارد که چه عواملی رژیم شاهنشاهی را در مسیر بی‌بازگشت منتهی به ۲۲بهمن ۵۷ قرار داد؟ سید محمود حسینی، استاندار سابق سیستان‌وبلوچستان و اصفهان در دولت اصلاحات معتقد است: «شاه دیر صدای تغییر مردم را شنید و همین موضوع منجر به انقلاب شد.» گفت‌وگوی «شرق» را با این فعال سیاسی اصلاح‌طلب بخوانید:

❧ **بازخوانی رویدادهای ماه‌های پایانی رژیم گذشته نشان می‌دهد که با وجود عقب‌نشینی پی‌درپی حکومت در برابر مطالبات مردم، امواج فراگیر انقلاب، به هیچ روی فروکش نکرد.** به اعتقاد شما مهم‌ترین علت این موضوع چیست؟

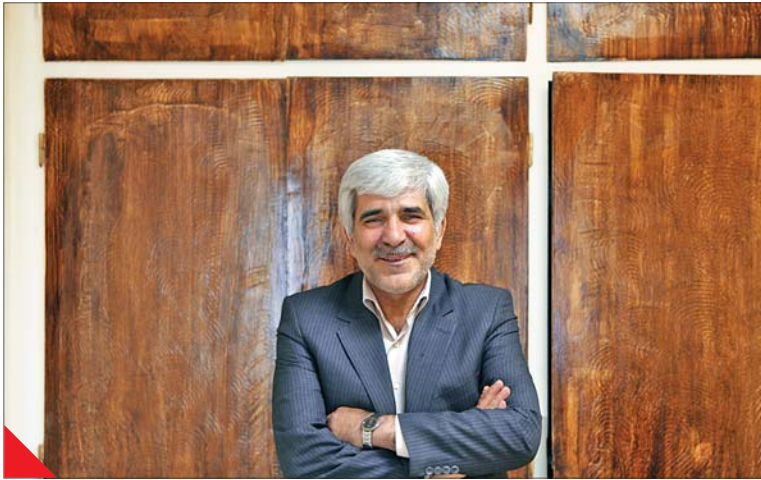
واقعیتی که وجود دارد این است که شاه در اواخر حکومتش رسماً اعلام کرد که من صدای انقلاب شما را شنیدم و از همین‌رو برخی اصلاحات هم انجام داد، اما به این دلیل که دیر دست به کار شده بود دیگر این اصلاحات تأثیری نداشت و اینگونه از سوی مردم تلقی شد که او می‌خواهد با این کار، حکومتش را حفظ کند و اعتقادی به اصلاح وضع موجود ندارد. البته این دیدگاه درست بود، اما در واکاوی جریان انقلاب نکته‌ای که وجود دارد این است که اگر شاه چند سال زودتر صدای تغییرخواهی مردم را می‌شنید و به مطالبات مردم پاسخ می‌داد، احتمالاً جریان انقلاب هم متوقف می‌شد و شکل آن تغییر می‌کرد، اما واقعیتی که اتفاق افتاد این بود که دیگر فاصله‌ها خیلی عمیق شده بود و خواسته‌های مردم شکلی آشتی‌ناپذیر به خود گرفته بود.مردم این اصلاحات را باور نکردند و به این نتیجه رسیدند که چون شاه چاره‌ای غیر از این ندارد، خواست مردم را بپذیرفته است و زمانی که از این توفان نجات پیدا کند دوباره به گذشته برمی‌گردد. همان‌طور که فضای باز اندکی که بعد از روی کار آمدن جیمی کارتر اوایل سال ۵۵ و اوایل ۵۶ در ایران به وجود آمد، آن را مردم زیر فشار کارتر و حزب دموکرات آمریکا می‌دیدند و به آن «جیمی‌کراسی» می‌گفتند یعنی نوعی دموکراسی که بر اثر فشار رییس‌جمهوری آمریکا در ایران به وجود آمده است و مردم آن را قبول نداشتند.

سیاست

حسینی، استاندار دولت اصلاحات در گفت‌وگو با «شرق»:

انقلاب ایران یک اصلاح‌خواهی بود

شاه دیر صدای انقلاب را شنید



❧ **واقعیت این است که شاه روابط خیلی خوبی با کشورهای پیشرفته جهان از شوروی گرفته تا آمریکا داشت. در آمدهای بالای نفتی و قدرت نظامی ارتش شاه هم نتوانست او را نجات دهد.** چرا اینگونه شد؟

از اوایل دهه ۵۰ به‌ویژه بعد از جنگ ۱۹۷۳ اعراب و اسرائیل و تحریم نفتی پس از آن، قیمت نفت بالا رفت. اما همین درآمد زیاد، آفت رژیم شاه شد، چون شاه برنامه پنجم را که برنامه نسبتاً خوبی بود، زمانی که درآمد‌ها بالا رفت متوقف کرد. شاه آن زمان گفت ما با این درآمد بالا دیگر نیازی نداریم که به آن برنامه پایبند باشیم. همین سیاست او باعث شد تا اقتصاد کشور دچار مشکل «بیماری هلندی» شود. البته این مشکل دوبار گریبانگیر اقتصاد ایران شده است؛ یکبار در دهه ۵۰ و یکبار در دوران آقای احمدی‌نژاد. خود این درآمد و اتکا به قدرتهای جهان، شاه را به یک توهم قدرت رساند. شاه در سال ۵۳ گروه‌های چریکی را نابود کرده بود و در حقیقت احساس می‌کرد مخالف جدی ندارد و از درآمد‌های سرشاری برخوردار است و از طرفی احساس می‌کرد دنیا

شاه در اواخر حکومتش رسماً اعلام کرد که من صدای انقلاب شما را شنیدم و از همین‌رو برخی اصلاحات هم انجام داد، اما به این دلیل که دیر دست به کار شده بود دیگر این اصلاحات تأثیری نداشت و اینگونه از سوی مردم تلقی شد که او می‌خواهد با این کار، حکومتش را حفظ کند و اعتقادی به اصلاح وضع موجود ندارد

❧ **برخی معتقدند یکی از مشکلات شاه این بوده که اطرافیان‌ش اطلاعات غلطی از شرایط موجود کشور به او می‌دادند، از سویی شما می‌گویید شاه با کارشناسان خود دچار مشکل بوده است.** تا چه اندازه این موضوع باعث همان دیرشنیدن صدای تغییر مردم از سوی شاه شد؟

مشکل اینجا بود که شاه خودش را در بیشتر زمینه‌ها صاحب‌نظر و کارشناس می‌دانست و فکر می‌کرد خیلی بهتر از کارشناسان، فکر و عمل می‌کند. این حس خود کارشناس ارشد پنداری، خیلی به شاه لطمه می‌زد. حتی حس می‌کرد باید دنیا باید از او درس بگیرد. با اینکه شاه سازمانی هم به نام بازرسی شاهنشاهی ایجاد کرده بود و انصافاً یک سازمان قوی بود از این نظر که بتواند مشکلات دستگاه‌های دولتی را شناسایی کند و با آن برخورد کند و قدرت هم داشت و برخورد هم می‌کرد؛ اما شاه به چیز دیگری نیاز داشت. درواق شاه به صاحب‌نظرانی نیاز داشت که جرات کنند و حرف بزنند و واقعیت‌ها را به او بگویند. درسال ۵۳ یک نظرسنجی و تحقیق جامعه‌شناسی انجام می‌شود و در سال ۵۵ نتایج آن استخراج می‌شود و آنجا متوجه می‌شوند که نسل جوان و تحصیلکرده ایران به سرعت دارد رادیکال می‌شود، اما پژوهشگران جرات نمی‌کنند نتایج این تحقیق را به شاه و مقامات بالادستی ابلاغ کنند.

❧ **مایلم کمی به گروه‌های انقلابی بپردازیم.** گروه‌هایی که فعالیت‌شان منجر به انقلاب اسلامی ایران شد.

قرن بیستم به قرن انقلاب‌ها معروف است. در دنیا و منطقه ما انقلاب‌های زیادی در قرن بیستم اتفاق افتاد. انقلاب اکتر در روسیه، انقلاب آزادیبخش الجزایر، انقلاب کوبا و انقلاب‌هایی که در آمریکای جنوبی اتفاق افتاد. حتی خود جریان ملی‌شدن نفت که برای حرکت‌هایی چون آزادسازی کانال سوئز توسط جمال عبدالناصر و گروه‌های انقلابی در مصر الهام‌بخش بود. در ایران هم از دهه ۴۰ بعد از ۱۵ خرداد نطفه حرکت‌های انقلابی بسته می‌شود. به‌ویژه با بسته‌شدن فضا، گروه‌های چریکی شکل گرفتند. در نیروهای مذهبی مجاهدین خلق و در گروه‌های مارکسیسم فداییان خلق و این فضای مبارزه مسلحانه در میان تمام مبارزان و اکثر منتقدان رژیم به یک هژمونی تبدیل شد؛ یعنی هیچ‌کس در تئوری‌های آن زمان، این تصور و باور را نداشت که رژیم بدون مشی مسلحانه، سقوط یا تغییر می‌کند. در سال ۵۰ تا ۵۱ هر دو گروه فداییان و مجاهدین ضربه‌های اساسی خوردند. اما هژمونی

مبارزه مسلحانه همچنان حفظ شد تا اینکه در سال ۵۴ با علنی‌شدن ایدئولوژی مجاهدین خلق و رهبرانی که باقی مانده بودند و مارکسیسم شده بودند گفت‌مان مبارزه مسلحانه تغییر کرد.با روی کار آمدن کارتر با توجه به ترسی که دموکرات‌های آمریکا از غلبه مارکسیسم در جامعه ایران پیدا کردند تلاش کردند که سیاست دفاع از حقوق‌بشر در ایران هم مورد توجه قرار گیرد و فضا تا حدودی باز شد، حتی امام به‌عنوان رهبر انقلاب در اطلاعیه‌ای از مردم ایران خواست تا از فضای موجود استفاده کند و اعتراضاتشان را به گوش جهان برسانند. یک تغییر گفت‌مان اتفاق افتاد و بسیاری از روشنفکران در این فضا وارد شدند. استفاده نویسندگان و شاعران معترض از شب شعری که در انستیتو «گوته» وایسته به سفارت آلمان برگزار شد نمونه‌ای از این بهره‌گیری از فضااست. می‌خواهم بگویم در جریان انقلاب زمانی که باب اصلاح بسته شد، باب انقلاب باز شد.

❧ **به نظر می‌رسد این عدم پذیرش فضای باز سیاسی که با نام جیمی کراسی از آن نام بردید نتوانست از جریان انقلاب جلوگیری کند و حافظه تاریخی مردم را نسبت به کودتای ۲۸مرداد ترمیم کند.** لطفاً کمی به این موضوع و علت‌های آن بپردازید؟

برخاستن گروه‌های چریکی از جامعه معترض ایران مصداق همان حرفی است که بازگان در دادگاهش گفت اینکه ما آخرین گروهی هستیم که با زبان با حکومت حرف می‌زنیم و بعد از ما گروهایی خواهند آمد که با گلوله با شما حرف می‌زنند و پس از آن بود که فعالیت‌های مسلحانه شروع شد و پیش‌بینی مهندس‌بازرگان درست بود. به‌خصوص بخش روشنفکری را عمیق‌تر کرد. مردم در آن فضا به دانش‌جویان و روشنفکران، روحانیون و بازاریان و معلمان؛ از سال ۵۶ بود که اقشار مختلف وارد مبارزه شدند.بعد از رحلت آیت‌الله مصطفی خمینی، یک نطق یکونیم‌ساعته‌ام خمینی داشت که نوار آن در سراسر ایران پخش شد و آنجا از همه خواست همه اقشار در کنار هم باشند و همدیگر را طرد نکنند و اینجا یک پیوند بین روحانی و روشنفکر ایجاد شد.

بعد از آن در ۱۹ دی ۵۶ که واقعه محق اتفاق افتاد در اعتراض به مقاله روزنامه اطلاعات و بعد مراسمی که در سراسر ایران در قالب سوم، هفتم و چهلم آن شهدا رخ داد، افراد بیشتری را داخل مبارزه کشاند.از تحصن تاریخی مردم اصفهان در اعتراض به دستگیری و تبعید آیت‌الله‌طاهری، شاه یک اشتباه بزرگ کرد و پیشنهاد نظامیان را بپذیرفت و اعلام حکومت نظامی در اصفهان کرد. با اعلام حکومت نظامی بود که اقشار زیادی از مردم به صفوف مبارزه پیوستند و بعد از آن در ۱۷ شهریور اتفاقات مهمی افتاد و بعد از حکومت نظامی رژیم شاه تنها شش‌ماه دوام آورد.

❧ **مهم‌ترین نکته انقلاب ۵۷ چیست؟**

نکته مهم این است که در کمتر از یک‌قرن ایرانی‌ها دوانقلاب کردند؛ یکی مشروطه و یکی انقلاب اسلامی؛ یعنی بعد از ۷۲سال فاصله که ه‌ردو این انقلاب‌ها، خواهان تغییر به روش اصلاحی و مدنی بودند اما بعد از آن بیشتر جنبه انقلابی پیدا کرد.

ما به مشروطه و انقلاب اسلامی از هردو آنها به‌عنوان نهضت یاد می‌کنیم چون هم مشروطیت به‌دنبال این بود که قدرت را محدود کند و با تحصن و راهپیمایی به‌دنبال تغییر بود و هم انقلاب اسلامی با استفاده از روش‌های اصلاحی و مدنی کار خود را جلو برد. به‌طوری که رهبر انقلاب هرگز دستور ترور یا فعالیت مسلحانه نداد. حتی در کشتن منصور هم نتوانستند از ایشان جواز بگیرند. ویژگی دیگر انقلاب این بود که تمام اقشار در انقلاب حضور داشتند و زیر پرچم رهبری انقلاب جای می‌گرفتند و همچنین زمانی که در پاریس از رهبر انقلاب پرسیدند نوع جمهوری شما چه نوع جمهوری است، گفت همان جمهوری که در تمام دنیا وجود دارد یعنی بنیانگذار انقلاب می‌دانست مردم باانقلاب به‌دنبال جمهوریت یعنی اداره امور به دست خودشان بودند و ایشان هم بر این موضوع تأکید داشت.

❧ **مهم‌ترین خواسته مردم در انقلاب چه بود؟**

در انقلاب اسلامی چند خواسته تاریخی وجود داشته است؛ یکی آزادی، دوم استقلال، سوم پیشرفت، چهارم عدالت و استقرار قانون و پنجم معنویت. اینها آرمان‌های انقلاب بودند که در شعارهای مردم متجلی می‌شد. این آرمان‌ها هنوز هم موردتوجه مردم است. البته تمام این آرمان‌ها با تأکید بر جمهوری‌ت امکان‌پذیر خواهد بود. الان هم هرکس به مشی اصلاح‌طلبی معتقد است و خواهان اصلاح در جامعه و مدیریت جامعه است، باید این آرمان‌ها را پاس دارد؛ هرچند باید عنصر زمان و مکان را در تحقق این آرمان‌ها موردتوجه قرار داد. به‌همین دلیل در سالگرد انقلاب باید بدانیم که انقلاب یک اصلاح‌خواهی بود و باید همه کسانی که به این آرمان‌ها اعتقاد دارند به‌خصوص اصلاح‌طلبان برای رسیدن به این هدف تلاش کنند و خواسته‌های خودشان را از این طریق بیان کنند.

ارتباط با روزنامه شرق

SHARGHLINE
@SHARGHDAILY.IR

تأثیر

یادداشت: «سیاست خارجی روی ریل منافع ملی است»؛ صادق زیباکلام

مقامات آمریکایی با مخالفت جدی کنگره درباره لغو تحریم‌های ایران روبه‌رو هستند، پس قاعدتا، جان کری برای آرام‌کردن جو داخلی خود مجبور است، از روی میزبودن گزینه‌های نظامی علیه ایران بگوید. با این حال اعتقاد دارم منافاتی بین این دیدارها و گزینه نظامی گفته‌شده از سوی وزیر امور خارجه آمریکا وجود ندارد.

ایران

سر مقاله: «اکنون وقت حساب کشی نیست»
علی نصیری

متأسفانه حوادث چندروز اخیر نشان می‌دهد که برخورد امروز برخی نخل‌های سیاسی با دولت مانند آن مدیری است که در دولت نهم به‌جای ستایش از کارهای عمرانی مدیریت شهری در گره‌گشایی از قفل‌های ترافیکی پایتخت، معتقد بود باید تونل توحید را پر کرد. سخن سخنی که باعث شگفتی اهل خرد شد. انگار ننگار که زمعیان کارآمدی همین چندروز پیش و در روزی که نه از برف سهمتری خبری بود و نه از ترافیک سنگین تهران، در مرکز شهر نتوانستند نردبان نجات را به طبقه پنجم ساختمان آتش گرفته برسانند و در برابر دیدگان به‌ت‌زده شهروندان تهرانی کارگران رز سقوط کرده و جان خود را از دست دادند. یا آنکه در پی بارش برفی نیمه‌سنگین معابر و خطوط ارتباطی تهران قفل شده و پایتخت چندمیلونی از حرکت باز می‌ایستد.

اطلاعات

یادداشت: «دور از انتظار»
فتح الله آملی (جوادی)

راستی اگر یکی از قیلم‌هایی که از از‌دحام مردم برای گرفتن سبب کالا گرفته شده است توسط یکی از کارشناسان غربی موردتحلیل قرار بگیرد چه روی خواهد داد؟... آیا گمان نمی‌کنند که با کمشوری در حال جنگ و شاید هم قطعی‌زده روبه‌رو هستند که فقر و نداری و محرومیت از سر و روی آن می‌رود و مردم چنان به فقر و فلاکت افتاده‌اند که برای گرفتن یکی بسته کالایی این‌طور از خود بیخود شده‌اند؟... آیا ملاحظه همین تصاویر کافی نیست تا طرف‌های آن‌سوی میز مذاکره با ایران را به این اشتباه و سوءتفاهم بیندازد که ببینید تحریم‌ها در ایران چه به‌روزی این مردم آورده که همه مردم حتی در جامعه شهری به چنین افلاس و فقری دچار شده‌اند که برای گرفتن چند قم کالا که شاید مصرف یک هفته یک خانواده نباشد این‌طور حرص می‌زنند؟... آنچه چون روز روشن است اینست که طرح توزیع سبد کالایی با هر تبتی که صورت گرفته و قطعاً نیت دولت ایران خیر است، در عمل نقاط ضعف فراوانی را به رخ کشیده است. چنین روندی از دولت آقای روحانی که خود شخصیت فرهنگی و فرهیخته‌ای است و قدر مسلم خود ایشان نیز آن را برمی‌تابند.

کیهان

سر مقاله: «دست‌خالی نبرگردید!»
حسین شریعتمداری

رییس‌جمهور محترم برخلاف آنچه از ایشان انتظار می‌رفت نه فقط کمترین واکنشی نسبت به بی‌تدبیری پدیدآمده در توزیع سبب کالا از خود نشان نداد، بلکه، به منتقدان توافقی ژنو اعتراض کرد و از آنان با عنوان «عدمای معلود و کم‌سواده» یاد کرد که به گفته ایشان «از جای خاص تغذیه می‌شوند» و در همان حال آقای جهانگیری، معاون اول رییس‌جمهور نیز، انتقاد به توافقه‌هم ژنو را «از روی حسادت» دانسته و گفت «منتقدان می‌گویند چرا این کار را ما انجام ندادیم؟... مباد برخی از اطرافیان رییس‌جمهور محترم برای فرار از پاسخ‌گویی خود در قبال بی‌تدبیری خسارت‌آفرین توزیع سبد کالا از اعتماد ایشان سوءاستفاده کرده و حمله تند و اهانت‌آمیز به منتقدان توافقه‌هم ژنو را به وی پیشنهاد کرده باشند، تا از این طریق، ماجرای بادشده در واکنش منتقدان به اهانت رییس‌جمهور و معاون ایشان، به فراموشی سپرده شود». اشتیاز نقده‌ادادن و وعده نسبیه‌گرفتن، افتخار نیست که حسادت دیگران را در پی داشته باشد؟... به جناب آقای روحانی و برخی دیگر از دولتمردان محترم که توافقه‌هم ژنو را «بزرگ‌ترین توافق قرن» و «نتیجه تسلیم قدرت‌های بزرگ» می‌انانند پیشنهاد می‌کنیم زمینه‌ای برای یک نشست مشترک میان برخی از منتقدان و حامیان توافقه‌هم بادشده فراهم آورند و هر دو طرف با این شرط که فقط به شواهد مستند از متن توافقه‌نامه تکیه کنند، درباره آن به اظهارنظر بنشینند. باور ما این است که در آینده‌ای نه چندان دور، واقعیت تلخی که این توافقه‌هم در پی دارد، آشکار خواهد شد، اگرچه نشانه‌های آن از هم‌اکنون نیز قابل‌دین است.

سازش

سر مقاله: «یک مصوبه و ۵ مورد خلاف قانون»
محمدکاظم انبارلویی

۳۱ تن از نمایندگان مجلس با امضای نامه‌ای به هیات‌رییسه مجلس طرح تحقیق‌ونقض از سبد کالای دولتی را مطرح کردند. پنج سوال کلیدی در این طرح مطرح شده. اما کلیدی‌ترین سوال در مورد قانونی‌بودن این اقدام است که مغفول واقع شده‌است.ظاهراً نمایندگان محترم هیچ دغدغه‌ای از قانونی‌بودن پرداخت یک‌هزار و ۵۰۰میلیارد تومان از بودجه سال ۹۲ در مورد آرایه سبد کالا توسط دولت تدبیر و امید ندارند. دولت در این بی‌نظمی و بی‌قانونی، کرامت و عزت مردم را نشانه گرفته و این بی‌مهری در عکس‌ها و فیلم‌هایی که از اجتماعات مردم در مقابل فروشگاه‌ها تهیه‌شده کاملاً مشهود است. این با تدبیر و امیدبخشی به مردم آن هم در دهه فجر انقلاب اسلامی سازگار نیست. هوشمندی ایجاب می‌کند آقای روحانی بررسی کند این پوست خربزه را که کسی زیر پای دولت گذاشته است.